

آدمیان از شدت نیاز و خوف نابود می‌شوند.

قرآن کریم این حقیقت ناب را در اشکال مختلف بر آدمیان بیان کرده است. برترین این بیان، همان داستان هبوط است. آدم و حوا به لطف حضرت حق در عالم بی‌نیازی جای گرفتند ولی آن دو، به دلیل وسوسه شیطان از فرمان خدا لغزیدند و به زمین هبوط کردند. وسوسه‌های شیطانی عامل شکل‌گیری دشمنی و عداوت میان آدمیان خواهد شد؛ از این رو، هبوطیان به هدایت خدا نیازمندند. پس هر آن کس که از هدایت قدسی و ماورایی تبعیت کرد، بی‌تردید از ترس و اندوه‌های این جهانی در امان است: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

زمینیان در همه عرصه‌های زندگی این جهانی نیازمند هدایت و راهبری هستند. مهمترین این زمینه‌ها، عرصه حیات اجتماعی است که مهمترین بخش آن، «حیات سیاسی» است.

سیاست، عالمی تودرتو و پیچیده است و کوچکترین غفلت و خطا در این عرصه، نابودی به بار می‌آورد و ترس و اندوه بر حیات بشری سایه می‌گستراند و عالم این جهانی آدمیان را به جهنم تبدیل می‌کند. پس، هبوطیان در عالم سیاست و حیات اجتماعی بیش از هر عرصه‌ی دیگری به «هدایت قدسی» باری تعالی نیازمندند و دقیقاً باری تعالی بیشترین التفات ربانی‌اش را به همین عرصه معطوف ساخته است؛ از این رو، «ولایت تشریحی» حضرت قدس برای هدایت تشریحی همه عرصه‌های حیات این جهانی آدمیان، به ویژه عرصه جامعه و سیاست است؛ چنان‌که بخش زیادی از آیات قرآن کریم به امر «سیاسات» و معاملات بشری اختصاص یافته است.

در قرآن مجید آشکارا خطاب شده است که خدا و رسول و کسانی از مومنین بر شما آدمیان ولایت دارند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

به اعتبار ضرورت ولایت قدسی است که از اهل ایمان خواسته شده که از خدا و رسول خدا و صاحبان خرد از میان خودشان اطاعت کنند و منازعاتشان را بر خدا و رسول خدا عرضه بدارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ بنابراین، حتی اگر حضرت قدس از التفات به بندگان خود روی برگرداند؛ باید رو به درگاه حضرتش آوریم و از او بخواهیم که رحمی بر ما نماید و هدایت تشریحی‌اش را از ما دریغ نفرماید.

با این وصف، انسان و فیلسوف سیاسی مدرن این حقیقت ناب و برهانی را بی‌هیچ دلیل و برهانی نادیده گرفته و مدعی است که انسان و جوامع بشری بی‌نیاز از هدایت قدسی است و هیچ ضرورتی برای ربط امر زمینی با امر قدسی و ماورایی نیست. مهمترین دلیل نظری که فیلسوف سیاسی مدرن برای «گفتاری بی‌نیازی» خود می‌آورد، وجود عقل است. به زعم او، آدمی با وجود بهره‌مندی از نیروی عقل، بی‌نیاز از هرگونه عنایت ماورایی و قدسی است. انسان مدرن با نیروی عقل خود را مکتفی بالذات

انکار عقل بر
مکتفی بالذات
دانستن خود از
یک سو، و تجربه
ناموفق مدرنیته
در سامان «نظم
عادلانه» زیست
بشر از سوی دیگر،
ثابت می‌کند که
فیلسوف سیاسی
مدرن هیچ برهانی
برای احساس
بی‌نیازی از ربط
امر قدسی و
ماورایی ندارد.